



## شورای صنفی نمایش کدام علیرضا رئیسبان



درد دل غیر رسمی

علیرضا رئیسبان کارگردان فیلم «چهل سالگی» در نامه‌ای که در اختیار روزنامه «شرق» قرار داد به تصمیم اخیر شورای صنفی نمایش مبنی بر اعلام پایان اکران فیلم «چهل سالگی» در روز پنجشنبه ۱۱ شهریورماه اعتراض کرد و این تصمیم را فاقد وجاهت قانونی دانست. در متن کامل این نامه چنین آمده است: «بدین وسیله اعلام تراضیاتی کامل خود را در تصمیم اخیر شورا ابراز نموده و به دلایل زیر خواستار پرداخت خسارت در مورد فیلم چهل‌سالگی که برنده دو سیمرغ بلورین و مورد استقبال وسیع مردم و مطبوعات در زمان اکران واقع گردیده است، می‌باشم. الف- جلسه روز شنبه ۸۹/۶/۶ که به صورت فوق‌العاده و ظاهراً به دعوت نماینده ارشاد تشکیل شده به دلیل عدم حضور نماینده کانون کارگردانان که ریاست شورا نیز با ایشان می‌باشد بر طبق آیین‌نامه تشکیل شورای صنفی دارای وجاهت قانونی نبوده و تصمیمات اتخاذشده فاقد ضمانت اجرایی است. ب- تا سال ۱۳۸۷ کف فروش در ماه مبارک رمضان ۳۰ درصد کاهش داشته و سقف زمان نمایش با این محاسبه به صورت حمایتی انجام می‌شده که از سال گذشته به دلیل طرح اذان تا اذان کف فروش تغییر کرد و سال گذشته یک استثنا بود که اسامل به دلیل شرایط بد اکران در ماه مبارک می‌یابد همان کاهش قبل از سال پیش اعمال می‌شد. ج- با اکران دوم سال جدید که از اردیبهشت آغاز شد به دلیل همزمانی با جام جهانی که از قبل نیز تاریخ آن مشخص بود کف فروش را برای حمایت از یک فیلم خاص ۳۰ درصد کاهش دادند که با این حساب اکران بنده مصادف با ماه مبارک رمضان شد بدون اینکه حمایت دولت، ضرر بنده و دیگران را در نظر گرفته و رضایت فیلم‌های اکران بعدی را جلب نماید. بنابراین با توجه به عدم موفقیت اکران اسامل طرح تا اذان تا و حمایت از نمایش فیلم قبلی سرگروه (سینما آزادی) که باعث تداخل نمایش ما و ماه مبارک گردید و همچنین با توجه به حضور بنده در جلسه دو هفته قبل شورا که اعضای آن معتقد به ادامه زمان نمایش ما تا بعد سیدعید فطر بودند و غیراجرائی بودن مصوب جلسه فوق‌العاده شورا بهتر است این شورا اشتباه خود را تصحیح کرده و قوانین را به خواست نماینده ارشاد که دارای حق رای نمی‌باشند، دستکاری نکرده و جنبه تزئینی و نمایشی شورا با رعایت عدالت به جنبه واقعی صنفی بدل نماید و نیز به هر شکل ممکن خسارت مادی و معنوی وارده به فیلم چهل‌سالگی را جبران نمایند.

## سینماگرانی که سینما را نمی‌فروشند ایزابلا روسلینی



مدیون جشنواره‌هایش نیستند؛ جشنواره‌هایی که خیلی از آنها به اندازه سینما قدمت دارند.

وقتی خبر رسید از من به عنوان رئیس جشنواره فیلم برلین سال آینده دعوت شده است به خودم گفتم این همان چیزی است که می‌گذارد ستایش‌ام از این جشنواره‌ها را به سرحد خودش برسانم. از جشنواره ونیز تا کن و حالا هم برلین هر کدام در عالم سینمای اروپا سهم بزرگی دارند؛ سهمی غیرقابل انکار. هر کدام از این جشنواره‌ها بزرگان عالم سینمای اروپا را بارها و بارها دلگرم کرده‌اند، تازه‌واردها را حمایت کرده‌اند و از آنها ستاره ساخته‌اند و از همه مهم‌تر اینکه سینمای امریکا هم کم مدیون این جشنواره‌ها نیست. همه آنهایی که در عالم سینمای امریکا راه خودشان را پیدا کرده‌اند، همه آن قزل‌آل‌هایی که در خلاف جریان آب حرکت کرده‌اند، تنها دایل نجات‌شان همین جشنواره‌های اروپایی بود و منتقدان اروپایی جشنواره‌های اروپایی مانند جشنواره برلین اجازه ندادند این نام‌ها گم شوند و سینمای مستقل را انچه‌ام که باید ارج بپاهند. تلاش من بر این خواهد بود که سال آینده در جشنواره برلین ۲۰۱۱ این سنت قدیمی را دنبال کنم. سال گذشته «ورنر‌هرتزوگ» دوست قدیمی‌ام رئیس جشنواره برلین بود. در جلسه نمایش فیلم من با او درباره همین سنت قدیمی گپ و گفتی داشتیم و اینکه چقدر جشنواره‌های اروپایی فیلم هنوز اصالت‌شان را حفظ کرده‌اند و هنوز هم دنبال روح سینما می‌گردند و قربانی و شیفته تکنولوژی نشده‌اند. امیدوارم سال ۲۰۱۱ در جشنواره برلین در کنار ستایش بزرگان سینما بتوانیم چهره‌های جدیدی را کشف کنیم؛ چهره‌هایی که سینما برایشان چیزی فراتر از تکنولوژی‌های جدید و فیلمبرداری‌های غول‌آسته است. این جنس از سینما چندان سود مالی را در پی ندارد. من به شخصه هرگز از راه سینما پول درنیاورده‌ام و نمی‌دانم بزرگواری کارگردانان مستقلی را که با پول اندک و سرمایه ناچیز به این سینما می‌آیندشند دارم یا نه، اما برای این سینماگران ناراحتم. به نظرم آنها باید به شدت آدهای بزرگواری باشند که همچنان پای دغدغه‌هایشان درنیده‌اند و تن به بازی صرفاً پول درآوردن نمی‌دهند. ر این همچنان به نظرم جشنواره‌هایی مانند جشنواره فیلم برلین نقطه امید سینماگرانی از این جنس است.

## خبر۱۴ فیلمساز با موضوع اخلاق فیلم کوتاه می‌سازند

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرزاتین، خیابان زاگوس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۵۵۷۵ -
نمابر: ۸۸۶۷۷۶۹۶
توزیع: شرکت نوآوران جهان رسانه ایرسا -
تلفن: ۸۸۸۲۳۲۹۰
امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق
چاپ گلریز: جاده قدیم کرج، فتح ۱۷، پلاک ۲۹، تلفن ۶۶۸۲۳۳۴۶



سال پنجم ■ شماره پیاپی ۱۰۵۱ ■ شماره ۱۲۷ دوره جدید ■ سه‌شنبه ۹ شهریور ۱۳۸۹ ■ ۲۰ رمضان ۱۴۳۱ ■ ۲۱ اگوست ۲۰۱۰

## آخر

ولش کن : تازه‌ترین اخبار از چهاردهمین جشن خانه سینما

## کیارستمی از تقوایی تقدیر می‌کند



**شیماشهرایی:** دکتر محمد سریر، ناصر تقوایی و یهمن کیارستمی در چهاردهمین جشن سینسینما مورد تقدیر قرار می‌گیرند. عباس کیارستمی تندیس تقدیر جشن فیلم‌های کوتاه را در روز هجدهم شهریورماه به ناصر تقوایی اهدا می‌کند. دو سال پیش ناصر تقوایی در دوازدهمین جشن سینما جایزه تقدیر عباس کیارستمی را به او اهدا کرد و اسامل مکس این اتفاق رخ خواهد داد. از سوی دیگر تندیس شایستگی جشن سینما به دلیل فعالیت‌های مستمر صنفی و سینمایی به دکتر محمد سریر اهدا خواهد شد. تندیس ویژه سیفاله داد نیز به محمدرضا پیروفر مدیرعامل شرکت پیروز اهدا خواهد شد. این تندیس به خاطر نوآوری، ابداع و تلاش در جهت خودکفایی تولیدات تجهیزات نوری و حرکتی قطعات یکدی دوربین‌های فیلمبرداری به او داده می‌شود.

■

### یادداشت‌های شهر سلوغ : سالروز تولد فرهاد توهم با من نبودی یار

**جواد طوسی**

وقتی «سعید راد» و «جلال» و «زکریا هاشمی» که ته یک کوچه بن‌بست در ایستگاه عوارضی خیابان «قدیم شمیران» (دکتر شریعتی فعلی) داشتند یکی از صحنه‌های درگیرِی فیلم «خداحافظ رفیق» (امیر نادری / ۱۳۵۰) را بازی می‌کردند، من و چند دانش‌آموز به‌زده اصلاً خبردار نبودیم که قراره در این فیلم مردی با صدای تلخ و خسته همراه با سوت، این تصنیف دلنشین را بخواند: «توی قاب خیس این پنجره‌ها، عکسی از جمعه غمگین می‌بینم…» سیاهه به تنش رخت عزا، تو چشاش ابرای سنگین می‌بینم…»

با آنکه «خداحافظ رفیق» در ماه رمضان به نمایش درآمد و فروش خوبی نکرد اما حسابی به من و چند نفر از دوستان دروس‌ستانی‌ام چسبید. یکی از این عوامل جذاب و تاثیرگذار همین اثرانه «جمعه» و صدای متفاوت خواننده‌اش بود که اولین بار او را یک سال قبلش با ترانه «مرد تنها» در فیلم «رها موتوری» شناخته بودیم. در واقع این «فرهاد» بود که همراه با آهنگساز بانوق این دو ترانه، سنگ‌بانی نوعی موسیقی معترض خیابانی‌ها را گذاشتند. البته در این میان، نقش «مسعود کیمیایی» را نباید از نظر دور داشت. او بود که بر اساس علاقه‌اش به این جنس موسیقی و درک درشتش از شرایط موجود، زمینه‌ساز شرف «فرهاد» در فیلم «رها موتوری» شد تا این خواننده خوش‌صدا در فضا و موقعیتی بهتر از «کوچینی» و گروه «black cats» بتواند خودش را نشان دهد. رفته‌رفته، همراه با شکل‌گیری و تداوم «جران



سال پنجم ■ شماره پیاپی ۱۰۵۱ ■ شماره ۱۲۷ دوره جدید ■ سه‌شنبه ۹ شهریور ۱۳۸۹ ■ ۲۰ رمضان ۱۴۳۱ ■ ۲۱ اگوست ۲۰۱۰



تهران : اذان ظهر۵:۱۲ اذان مغرب ۵:۱۹ اذان صبح فردا ۵:۰۹ طلوع آفتاب ۶:۲۶

## حجت موجه سیدعلی میرفتاح

این ایام و لیالی، متعلق است به حضرت امیر(ع) که با هر معیار و ملائک، او برترین خلق بود و سرور همه جوانمردان و پرهیزگاران و شجاعان. عموماً امیرالمومنین(ع) را به رشادت و عدالتش می‌شناسند؛ شعرا در مدح او قصیده‌ها سروده‌اند و نویسندگان منش و بزرگی او را ستوده‌اند. خطبا در وصف حضرتش خطبه‌های غرا ایراد کرده‌اند و عرفا از روی دست او بحث پرهیزگاری و معرفت کرده‌اند. شاید فقط عده‌ای معاند هم‌وزادانش بی‌خبر باشند که متوجه منزلت آن بزرگوار می‌شود وقتی داستان‌های رشادت و فرزانی را می‌شنویم، شیفته آن جمال نورانی نشویم. در فرض خیال، می‌گویم اگر مکتب محمد مصطفی(ص) هیچ نداشت و تنها حضرت علی(ع) را در داسان خود پرورش داده بود، کافی بود که به عقابیت دین و بزرگی پروردگار ایمان بیاوریم و بر سر آستان صفیته آن جمال نورانی نشویم. در فرض خیال، می‌گویم اگر مکتب محمد مصطفی(ص) هیچ نداشت و تنها حضرت اسلام و سرسپرده این مذهب برحق شده‌اند. از شهریار است که به صراحت گفت: «به علی شناختم من به خدا قسم خدا را». برای شناخت خدا این جتنی موجه‌تر از امیر مومنان(ع)؟ «جمال چهره تو حجت موجه ماست».

درساره شجاعت و مردانگی و فتوت و علم امام اول کم صحبت نکرده‌اند، با این همه اسما را از وجود آن یگانه هر همگان پوشیده است. تعبیری از مولانا جلال‌الدین محمد است که گشودن گره این راز، تنها به دست باکفایت خود حضرت است: «راز بگشای ا علی مرتضی…» ما را چه فهمی راز؟ جلال‌الدین محمد این مصراع را بعد از حکایت حماسی نبرد غول بخت بر گشته عرب با امیرالمومنین جوان می‌آورد. قمعش را لایذ خوانده‌اید و شنیده‌اید که چطور آن حضرت خشم نفسانی خود را فرو می‌خورد و حجاب تن را از میانه برمی‌دارد. به شنیدن از بی حق بزدند. بیان شاعرانه از قول ایشان است که: «دیده حقم نه مامور تئم». مشهور است که بعد از این نبرد شجاعانه بود که رسول خدا حدیث مبارک لافاتی در فرمودند، حقیقتاً هم آنجا که علی و ذوالفقار باشند، جز ایشان، نه مردی هست و نه شمشیر، اما جز این حکایت در اکثر رسائل آیین فقیان داستان دیگری هم نقل شده. من بارها و بارها به تناسب این حکایت را به اختصار یا به تفصیل نقل کرده‌ام و این بار نیز به مناسبت این شهبایاکی ندارم که تکرار کنم و به خودم و به شما این بزرگ‌نقشی را تذکر دهم. مشهور است که در محفل انس پیامبر، فضولی وارد شد و گزارش داد که از خانه مجاور زن و مردی به حرام با هم جمع شده‌اند. نقد نفری از یاران غیور خود خواستند که بروند. آنکاران را بگیرند و بیاورند تا به سزای بلند ننگین‌شان برسانند. پیامبر اما رخصت نفرمودند و تنها به علی ماموریت دادند که برود و ببیند چه خبر است. گفت‌اند امیرالمومنین دست به دیوار خانه گذاشتند و چسبها را بستند و دور تا دور خانه را در حالی که با صدای بلند تکبیر می‌گفتند، گشتند و بازگشتند. به خدمت پسر عموى خود آمدند و عرض کردند: «دور تا دور خانه را گشتیم اما کسی را ندیدیم.» پیامبر با فراست ذاتی خود بی به حقیقت ماجرا بررند و فرمودند: «لا خلق علی، لاسیف الا ذوالفقار»، یعنی چشم ببندید بر گناه هفتی نیز عین همان مردانگی و جوانمردی در برابر عمروین عبودو است. حضرت دیدهای را ندیده کردند و آبروی مسلمانی را باز خریدند… با خودم می‌گویم آن گناهکاری که از این‌ها بود و امیرالمومنین را دید که توبه بر گناه او بسته، چه حالی شد و چه کرد پس از اینکه به عنایت اهل کرامت نجات یافت؟ رزم مستحق کرامت گناهکارانند… خیلی سخت نبود و از آس می‌عرب هم دور نبود که باید گناهکاران را بیابورند در میدان شهر و سنگسار کنند و حدود الهی را بیاورند بر سازند. بر آن بزرگوار بعداً کسی خرده نمی‌گرفت که چرا چچ گناهکاری را حق ارتکاب گرفته؟ اما بحث این است که این رفتار با آیین فتن و رسم جوانمردی نمی‌خواند. حضرت دیدهای را ندیده کردند و بر گناه خلق سربوش نهادند. عین حضرت حق که در ذیل اسم ستاری، گناه خلق را مستور می‌دارد. ما اگر بودیم می‌کردیم؟ فتوت و جوانمردی ما کجاست؟ شهبای که بر مظلومیت اسدالله گریه می‌کنیم، آیا در فتوت نیز به آن یگانه تاسی می‌کنیم؟ من از سال‌ها پیش به این نتیجه رسیدم که آنچه از بدبختی دامن ما را گرفته و کار و بارمان را با سختی و اشکال مواجه کرده، نبودن یا کم‌رنگ شدن آیین جوانمردان است. گویی جوانمردان همه را در سینه‌های گورستان جای داده‌اند. اقتصاد ما، اجتماع ما، دانشگاه‌های ما، خیابان‌های ما، روابط زن و مردی ما و حتی سیاست ما درست می‌شد از خود کار به خصال اهل فتای می‌راستیم. فقط پاسپان‌ها و اهل حسودیه نیستند که باید جوانمرد باشند، باید بر سر مار، بر سر کوچک و بزرگ ما، بر سر پیر و جوان ما، به کرم حیدر کرار باران فتوت ببارد تا مردی امیرالمومنین را لایق شویم.

## وزیر جوانان لبنان از امام موسی صدر می‌گوید

شکی نیست که جوانان در نگاه امام موسی صدر جایگاه رفیعی دارند و ایشان امتحان فراوانی به جوانان داشت و وقتی ندانست که دختر باشند یا پسر، ایشان بسیار بر فرق این آینده تاکید داشت و می‌گفت من می‌دانم جوانان چه نقشی در آینده لبنان دارند. خصوصاً با توجه به این نکته که جامعه شیعی لبنان جامعه‌ای مطرود و محروم بود و جایگاهش با تلاش امام موسی صدر به دست آمد.

اما مجلس اعلای شیعیان لبنان را تاسیس کرد تا مکانی مناسب برای شیعیان ایجاد شود. اهتمام او به جوانان نیز از این جهت بود زیرا او به وضوح اینده آینده برای آنان است. برای این که جوانان لبنان تاسیس کرده بود که اگر می‌خواهند به جایگاهشان برسند باید به جوانان بها بدهند. و تاسیس موسسات تربیتی امل و موسسات مختلف جز برای استمرار آن راه نبود.

در وزارت جوانان طبیعی است که تلاش داریم عقه‌های

را که امام موسی صدر بر اساس آن عمل کرد، پیش ببریم و دائماً سعی می‌کنیم تفرقه‌ای میان لبنانی‌ها نباشد و وحدت لبنانی‌ها بهترین چیز برای تعدی دشمنان و دشمن صهیونیست به لبنان است.

### حجت موجه سیدعلی میرفتاح

به یک جمله اتکفا می‌کند: «همان‌طور که غنم من درباره جشن خانه سینما، جوایز و حواشی آن هیچ نظر نمی‌دهم. همان‌طور که تاکئون هم در این باره حرفی نزنم.» ■ **توحیدیت: با کسی شوخی نداریم**
فرهاد توحیدی دبیر چهاردهمین جشن خانه سینما در گفت‌وگو با «شرق» درباره انتظارات خانه سینما از معاونت سینمایی برای برگزاری جشن می‌گوید: «ما مسلماً انتظار داریم از جشن حمایت کنند. ما آقای سجادیپور و دوستان دیگر را عضو خانه سینما می‌دانیم و من فکر می‌کنم وظیفه آنها این است که از تشکیلی که عضو آن هستند حمایت کنند. ما فقط دوست نداریم آنها در جشن حاضر شوند بلکه دوست داریم در همین روزها، در جریان داوری‌ها سری بزنند و با اهالی خانه سینما اظفار کنند چون ما دیگر بقین پیدا کرده‌ایم که برخلاف ادعاهای پیشین پولی به ضرورت در صنف ايجاد کند. حضور ایشان در خانه سینما ربطی انگار نیازهای آنی‌تری از خانه سینما وجود دارد مثل خرید برخی فیلم‌های خاص و…» او در ادامه با اشاره به حرف‌های شمعدری مبنی بر اینکه کار جدی ما با هیات مدیره جدید خانه سینما آغاز می‌شود، می‌گوید: «معاونت سینمایی منطبق هیات مدیره بعدی خانه سینما هم نباشد که کار جدی‌شان را شروع کند. ما هم با کسی شوخی نداریم. اگر آنها با ما شوخی دارند به ۴۵۰۰ عضو خانه سینما جدی فکر کنند.»

## تا روز ملی سینما : جای منتقدان درجشن خانه سینما کجاست نقد می‌گوید کدام فیلم می‌ماند

روبرت صافاریان

کمی نیست. در رشته‌های هنری دیگر چنین چیزی روی نداده است. در هنرهای تجسمی یا ادبیات منتقد حرف‌های ارشده‌ها را کمتر داریم و کمتر می‌شناسیم. شما مقایسه کنید درباره یک کتاب جدی چند نقد نوشته می‌شود و درباره یک فیلم جدی چند نقد ببینید مثلاً درباره فیلمی مانند دربار‌الهی… چه تعداد نوشته در مطبوعات و سایت‌ها منتشر شده است. درباره کدام کتاب با نمایشگاه این همه نقد نوشته شده است؟ فارغ از خوب و بد و ضعف و قوت تکتک منتقدان، نهاد نقد نقشی جدی در ماندگاری فیلم‌های می‌کند. در تقسیم فیلم‌ها نیز نقش منتقدان کم نیست. دیر یا زود فیلم‌ها را آن‌طور معنا می‌کنیم که در ندهای خوب و قوی معنا شده‌اند. این نقش شاید از نقشی که نقد فیلم می‌توانست در فروش فیلم‌ها داشته باشد مهم‌تر است. ۱۰ سال دیگر، وقتی جوانی می‌خواهد پس میراث فرهنگی جامعه‌اش، از جمله با آثار سینمایی آن آشنا شود، سراغ فیلم‌هایی می‌رود که منتقدان مهر تایید بر آنها زده‌اند. نهاد نقد فیلم است که تعیین می‌کند کدام فیلم می‌ماند و کدام به فراموشی سپرده می‌شود. این ننگداری است که کمتر به آن توجه می‌شود. البته نقد فیلم ما همه حسن نیست و یک منتقد باید همان‌طور که فیلم‌ها و فیلمسازان را زیر ذربین می‌گذارد و مونشکافه خوب و بدشان را با محک نقد می‌آزماید، به خود نیز با همین دید نگاهد بکند. اما فعلاً جشن است و به ذکر حسن‌ها اکتفا می‌کنیم، به خصوص که گمانم این نقاط قوت کمتر دیده می‌شوند. جشن که تمام شد، اگر فرصتی بود، به نقد نقد فیلم‌ها هم خواهیم پرداخت.

روز ملی سینماست. جشن سینما. اهل سینما جشن گرفته‌اند. اما جای منتقدان فیلم در این میان کجاست؟ آنها جزیی از این سینما هستند یا کنار آن نشسته‌اند و عیب‌جویی می‌کنند؟ آیا آنها اساساً در این بازی نقشی دارند؟ تأثیری بر تحولات این عرصه می‌گذارند؟ اگر سینما را به عنوان یک نهاد اجتماعی در نظر بگیریم، نقد فیلم هم جزئی از آن است و خود نهادهی اجتماعی و زیرمجموعه نهاد سینماست. سینما فقط از متن‌های سینمایی یعنی فیلم‌ها تشکیل نشده است. تولیدکنندگان اعم از هنرمندان گوناگون و همین‌طور تهیه‌کنندگان، سرمایه‌گذاران و مخاطبان، اجزای فرآیند تولید و مصرف و تأثیرگذاری اجتماعی فیلم‌ها را تشکیل می‌دهند. منتقدان (و مطبوعات) هم بخصوص در رابطه با مخاطب جایگاه خاصی دارند. اگر نوستالژی دوران پرویز دولی، یعنی دورانی را که یک منتقد نقش سناره را بازی می‌کرد و فیلمسازان چشم به او داشتند که چه می‌گوید، کنار بگذاریم، نقد فیلم امروز ما متنوع و و پرپراتر است. تعداد نویسندگانی که هر مندرن گوناگون و همین‌طور تهیه‌کنندگان، سرمایه‌گذاران و متخصص سینمای ایران‌اند، منتقدانی با دیدگاه‌های گوناگون، برخی متمایل‌تر به سینمای هنری و برخی دیگر دوستدار سینمای عامه‌پسند، و نسل جدیدی از منتقدان جوان که چه بسا باسوادتر و با معلومات‌ترند و بتوانند گذاشت این حرف‌های میانه، همه گویای این است که نهاد نقد فیلم، نه این یا آن منتقد، در فضای فرهنگی ایران خود را اثبات کرده و استقرار یافته است. این اتفاق کرد و در گفت‌وگوهایی که با رسانه‌ها داشت از خود یادداشت

وقتی تصویر کودکان پاکستانی را در تلویزیون می‌بینم به این جای که اطفال حال‌شان بد شود و رود شکیه تلویزیون را عوض کنند تا زبانی غمگین نشوند، همان جا نگاهی به کارت‌های اعتباری‌ای پیداکنم. در به سیل‌زدگان پاکستان کمک کنند. ■ **تام هنکس و اسپیلبرگ کثروتمند هم جایزه گرفتند**
سریال «قیاوس آرام» به تهیه‌کنندگی استیون اسپیلبرگ و تام هنکس جایزه بهترین سریال کوتاه را به خود اختصاص داد. این مجموعه کوتاه که در ۲۴ نامزدی رکورددار نامزدی جوایز ای امی بود، هفت جایزه در بخش فنی دریافت کرد. مجموعه تلویزیونی «قیاوس آرام» به تهیه‌کنندگی تام هنکس و استیون اسپیلبرگ با ۲۱۷ میلیون دلار پرهزینه‌ترین سریال تاریخ است. صبحی ماآلود در سپتامبر سال ۱۹۴۴، پوچین اسلج و لشگر شکاره یک تفنگدار دریایی در ساحل پلیوات، جزیرهای در قیاوس آرام واقع‌شده بین گینه‌تو و فیلیپین پیاده شدند. ۱۱ هزار زاپنی به این سربازان حمله کردند. این نبرد خونین‌ترین نبرد جنگ جهانی دوم بود. پس از ۶۹ روز در سیرال حمله اچ‌بی‌او بازسازی شد. در این نبرد بیش از ۹۰۰ سرباز آمریکایی بیش از یک‌هفت‌جزیره کشته شدند. بازسازی این نبرد نیازمند سرمایه عظیمی بود؛ از آن سرمایه‌هایی که جری بروکهایمر خرج فیلم‌های چون «پول هاربر» می‌کند و کمتر صرف سریالی تلویزیونی می‌شود. سریال «قیاوس آرام» که تام هنکس و استیون اسپیلبرگ در جمله تهیه‌کنندگان آن بودند با سرمایه ۲۱۷ میلیون دلاری ساخته و به پرهزینه‌ترین سریال تاریخ بدل شد. به این سرمایه ۱۰ میلیون دلار هزینه بازسازی را اضافه‌کنید. البته سریال با ۲۰ میلیون دلار تخفیف از سوی استرالیا که لوکیشن اصلی فیلم بود، وروبر شد.

دهند. کوورکیان بارها دادگاهی و در سال ۱۹۹۹ به جرم قتل محکوم شد و پیش از آزادی در سال ۲۰۰۷، هشت سالی را در زندان سپری کرد. در فیلم «شما چک را نمی‌شناسید» با دکتی روبروهر هسیتیم که بسیار انسان‌تر از اغلب پرستاران و حتی نزدیکان بیمار است. کوورکیان به بسیاری از بازیگران و از او می‌خواستند در مردن‌شان به آنها کمک کند، جواب منفی می‌داد. پانچونو گفت: «در چشمم او انسان‌ها دیمارانی که باید کشته شوند، نبودند، بلکه آدم‌هایی بودند که او می‌توانست از رنج خارج کند. کوورکیان را پیش از به زندان افتادنش به تصویر بود. شاید کار او شبیه اتناازی شده باشد اما در پس همه اعمال او انرژی مثبتی در جهت کمک به مردم وجود داشته است.» در این فیلم شاهد زندگی خصوصی کوورکیان هستیم، مرد مجردی که گاه موسیقی جاز می‌نوازد، نقاشی می‌کند و با دوستان قدیمی‌اش وقت می‌گذرانند. پانچونو برای ایفای نقشش از طریق تلفن با چک کوورکیان ۱۰ اساله صحبت کرده و نوارهای ویدیویی موجود از او را مشاهده کرده است. پانچونو در فیلم، کوورکیان را پیش از به زندان افتادنش به تصویر می‌کشد و معتقد است اگر پیش از فیلمبرداری کوورکیان را دیده بود، بازده کارش بالاتر می‌رفت. این در حالی است که فیلم‌نامهنویس این فیلم تلویزیونی، آدام میزر (فیلم‌نامهنویس «ساحل» ساخته دنی بویل) چندین بار با کوورکیان ملاقات کرده بود. این کارگردان در حاشیه این جایزه گفت: «این مرد خیلی بیشتر از اینجا جا برای کار دارد. او مردی صاف و ساده است اما وقتی پای موسیقی، کتاب و سیاست به میان بیاید، او بی‌نظیر است. واقعاً برایم دشوار بود همپای او بحث کنم.

نظرسنجی مجله «تایم» به دست آورده است. بسیاری این فیلم را راهی برای شناختن شهر نیویورک و پیچیدگی‌هایش می‌دانند، سریالی کاملاً آمریکایی که مردان و زنانی را نشان می‌دهد که هرگز با آنها نمی‌توان به آسانی روبرو شد.

■ **آل پانچونو کار خودش را کرد**
جایزه بهترین بازیگر مرد فیلم تلویزیونی به آل پانچونو برای بازی در نقش «کتر مرگ» در مینی‌سریال «شما چک را نمی‌شناسید» رسید. دکتر مرگ واقعی یعنی جک کوورکیان در این مراسم نقش خود را در خواست آل پانچونو از جا برخاست و به حضار لبخند زد. پیش از بالا رفتن آل پانچونو تلویزیون سالان نوکیا فایل صدایی با این مضمون پخش کرد «چطوریه که به آدم بالغ نمی‌تونه تونه چشم دکترش نگاه کنه و یکه دیگه بسیمه، به اندازه کافی کشیدم، کمک کن بپریم.» این دیالوگ کوتاه بخشی از دفاعیات جک کوورکیان در جلسه دادگاهش بود. جدا از بحث‌های فراوانی که رسانه‌ها در مورد بدنامی جک کوورکیان و کمک او به خودکشی بیمارانش در دهه ۱۹۹۰ به راه انداختند، عامه مردم اطلاعات کمی در مورد این دکتر می‌شیگانی دارند که به «دکتر مرگ» معروف است. اما فیلم تلویزیونی «شما چک را نمی‌شناسید» که از شبکه اچ‌بی‌او پخش شد، این مساله را تغییر می‌دهد. آل پانچونو در این فیلم نقش مثبت‌مند. او هنگامی که توی صحنه آمد گفت: «خب واقعاً اگر این جایزه را به سیرال ما نمی‌دادند، قرار بود به چه کسی بدهند؟ سیربال سیاه مردان خشم قه پیچیدهای دارد و همه ماجرا در امریکای دهه ۶۰ می‌گذرد. این سیربال عنوان بهترین پلات داستانی را از سوی منتقدان امریکایی در

جوایز ای امی ۲۰۱۰ دوشنبه صبح به وقت تهران در سالن نوکیا ال ای در لس‌آنجلس برگزار شد. دو مجموعه تلویزیونی «مردان خشن» و «خانواده پیشرفته» جوایز اصلی این دوره را دریافت کردند. جایزه امی این روزها به عنوان «اسکار تلویزیونی» مشهور شده است. اما جایزه «امی»، اسمال به جن ستاره‌های تلویزیون، چهره‌های مشهور سینمایی هم در این جوایز شریک شدند. «آل پانچونو» با فیلم «شما چک را نمی‌شناسید» برنده بازیگر نقش اول مینی‌سریال شد، و «جرج کلونی» هم به دلیل فعالیت‌های بشردوستانه‌اش جایزه باب هوپ را از آن خود کرد. سهم شبکه اچ‌بی‌او از مراسم امی ۱۷ جایزه بود. پس از اچ‌بی‌او، شبکه ای‌بی‌سی با ۱۵ جایزه و فاکس با ۹ جایزه رکوردداران جوایز در میان شبکه‌های تلویزیونی بودند. ■ **«خانواده پیشرفته» قصه محبوب داوران**
هیات داوران جایزه امی همیشه عاشق قصه‌هایی هستند که تمی خانوادگی دارد؛ سریال‌هایی که خانواده‌های امریکایی را در دهه ۸۰ نشان می‌دهند یا داستان‌هایی درباره دغدغه‌های یک خانواده امریکایی امروزی. اسمال این بحث خوش و خوشنوانی قصه و محبوبیت یک داوران نصب سیربال «خانواده پیشرفته» شد. می‌توان گفت نمایش زندگی خانواده‌های دوران گذشته و حال فرمول همیشه برنده در جوایز امی است. استیون لوبتان تهیه‌کننده «خانواده پیشرفته» گفت: «ما مدیون طرفداران مان هستیم، اینکه خاندان‌های این تلویزیون می‌شنیند و سیربال ما را تماشا می‌کنند، برای ما دستاورد بزرگی است، خوشحالم که ما را به خانه‌هایشان راه دادید.» خانواده پیشرفته اسمال به عنوان محبوب‌ترین سیربال کمدی شبکه «ای‌بی‌سی» در نظافت و محبوبیت یک می‌توان از روی شبکه‌های اجتماعی مانند «تویتر» حدس زد. این سیربال کمدی علاوه بر بردن جایزه بهترین کمدی سال، دو جایزه دیگر یکی در رشته بازیگری برای اریک استون استریت و دیگری در رشته فیلم‌نامه‌نویسی را به خانه برد.

■ **«مردان خشن» باز هم بهترین شد**

«مردان خشن» برای سومین سال بی‌دری عنوان بهترین

سیربال داستانی را از آن خود کرد. متیو ونیر از دریافت این

جایزه چندان متعجب نشد. او هنگامی که توی صحنه آمد گفت: «خب واقعاً اگر این جایزه را به سیرال ما نمی‌دادند، قرار بود به چه کسی بدهند؟ سیربال سیاه مردان خشم قه پیچیدهای دارد و همه ماجرا در امریکای دهه ۶۰ می‌گذرد. این سیربال عنوان بهترین پلات داستانی را از سوی منتقدان امریکایی در